

حدود اجرای تشدید مجازات در تکرار جرایم تعزیری و باز دارنده

(۱) مقدمه

قانونگذار در اجرای قسمت اخیر ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی به دادگاه اختیار داده است تا ((در صورت لزوم)) مجازات تعزیری تکرار کنندگان جرم را تشدید کند. تشخیص لزوم تشدید مجازات با دادگاه است و به نظر می رسد که رای دادگاه از این حیث باید مستدل باشد. ولی ابهام مهمی که در رفع آن بسیار کوشش شده و تا کنون نتیجه ی رضایت بخشی عاید نگردیده نحوه ی تشدید مجازات و یافتن حدود برای آن است. که همچنان مایه ی سردرگمی قضات و اختلاف رای محاکم است.

فرض کنیم یکی از ماموران بازداشتگاهی برای اولین بار مرتکب جرمی شده که ماده ی ۵۷۳ قانون مجازات اسلامی آن را مشخص کرده است و دادگاه او را برای بار اول به یک سال حبس محکوم ساخته و باز به دلیل تکرار جرم مجازات را تشدید و این بار او را به دو سال حبس محکوم کرده باشد تکلیف دادگاه در صورت اجرای مجدد جرم در بار سوم چیست؟

بنا بر این سوال اصلی که مطرح می شود این است که اگر دادگاه بخواهد در صورت تکرار جرم در جرایم تعزیری و بازدارنده مجازات را تشدید کند می تواند از حداکثر مجازات عدول کند؟

(۲) در صورت تکرار جرایم تعزیری عدول از حداکثر مجازات خلاف اصل قانونی بودن مجازات است.

مطابق با اصل قانونی بودن مجازات هیچ مجازاتی را نمی توان به افراد تحمیل کرد مگر اینکه نوع

ومیزان آن قبلاً در قانون

تعیین شده باشد. قاعده ی مزبور در اصطلاح لاتین عبارت است از:

NULLUM CRIMEN SINE LEGE

NULLA POENA SINE LEGE

یعنی ((هیچ جرمی بدون قانون ممکن نیست)) و ((هیچ مجازاتی بدون قانون ممکن نیست))

در اصول ۲۲ و ۳۲ و ۳۶ و ۳۷ و ۱۶۶ و ۱۶۹ قانون اساسی کشورمان اصل قانونی بودن مجازات بیان

شدخ است. با توجه به این اصل قضات نمی توانند در صورت تکرار جرایم تعزیری برای تشدید

مجازات از حداکثر مجازات قانونی فراتر روند.

۳) استفاده از مجازات های تکمیلی و تتمیمی در تشدید مجازات

ممکن است بتوان گفت در صورتی که دادگاه اولیه حکم مجازات جرم اولیه را حد اکثر مجازات

تعیین نموده باشد در مرحله ی تشدید کیفر به علت تکرار جرم دادگاه می تواند از مجازات های

تکمیلی و تتمیمی موضوع مواد ۱۹ و ۲۹ ق.م.ا استفاده نماید

در این مورد باید گفت ماده ی ۱۹ و ۲۰ هر چند تحت عنوان ((اقدامات تامینی)) مطرح می شود

اما در حقیقت مجازات است. ولذا اگر قاضی این مجازات را در کنار مجازات اصلی حکم دهد

دو مجازت را در نظر گرفته است بر لین اشکال ممکن است این ایراد وارد شود که به هر حال

احتمال اعمال ماده ی ۱۹ و ۲۰ در کلیه ی محکومیت های مربوط به جرایم عمدی وجود دارد
ولذا نمی توان اعمال ماده ی ۱۹ و ۲۰ را مجازات دانست . اگر این فرض را بپذیریم اجرای این
ماده در مورد تکرار کنندگان جرم - به نحوی که قبلاً عنوان شد - خالی از اشکال است و به نظر
می رسد فرض اخیر بیشتر با عدالت و منطق حقوقی سازگار باشد.

۴) حدود اجرای تشدید مجازات از نظر اداره حقوقی قوه ی قضاییه
در بخشنامه ای که در شورای عالی قضایی (سابق) در جهت رفع ابهام قانون صادر کرده است
نحوه ی تشدید مجازات را در مورد تکرار جرم این چنین بیان نموده است . (شماره ی ۶۳۰ / ۶
اب / ش - ۶۳/۴/۱۶):

((در مورد تکرار جرم هرگاه جرایم ارتكابی از نوع همان جرایم قبلی باشد دادگاه ها میتوانند
مجازات جرم را تا یک برابر و نیم حداکثری که در قانون برای آن جرم تعیین شده تشدید نمایند
و در صورتی که مجازات تعزیری جرمی شلاق بوده باشد و مجرم برای دفعه ی قبل به کمتر از ۷۴
ضربه محکوم شده باشد به حداکثر ۷۴ ضربه محکوم می شود. و چنانچه دادگاه تشدید مجازات
رایش از ۷۴ ضربه در موارد فوق ضروری بداند علاوه بر ۷۴ ضربه شلاق می تواند حبس تعزیری
برای مدتی که متناسب با جرم یا جرایم ارتكابی باشد تعیین کند.))

گذشته از این که استناد به بخشنامه در مقام صدور حکم محکومیت خلاف و مغایر با اصل قانونی
بودن جرایم و مجازات ها است دادگاه نمی تواند با اختیار حاصل از ماده ۴۸ قانون مجازات

اسلامی در مقام تشدید مجازات دیگری علاوه بر آنچه قانونگذار مقرر کرده است تعیین کند نظر

شورای عالی قضایی به استناد این قاعده ی فقهی است که قاضی حق ندارد در

تعزیرات زاید بر ۷۴ ضربه شلاق حکم دهد . از این رو در مقام تشدید مجازات تعیین مجازات از

نوع دیگر را به موجب حکم

دادگاه ها جایز دانسته است .

این نظریه را اداره حقوقی قوه ی قضاییه با ارائه راه حل دیگری رد کرده است. به موجب این

نظریه (شماره ۷/۳۲۷-۶۳/۱/۱۸):

((تشدید مجازات اعم است از اینکه مجازات بیشتر از حداکثر آن تعیین شود یا به نوع دیگری که

عرفاً یک درجه شدید تر باشد تبدیل گردد . لیکن با توجه به ملاک ماده ی ۵ قانون دیات که

تعلیظ مجازات را تا یک ثلث آن تجویز کرده است می توان گفت که در موارد تشدید کیفر میزان

مجازات را می توان حداکثر مجازات جرم به علاوه ی یک سوم آن تعیین نمود نه بیشتر . و به

تعبیری دیگر در مورد تشدید کیفر حاکم می تواند مجازاتی تعیین نماید که از حداکثر مجازات

اصلی بیشتر باشد ولی از حداکثر به علاوه ی ثلث آن تجاوز ننماید . نتیجاً تعیین حداکثر شلاق به

علاوه ی حبس در مقام تشدید مجازات صحیح نیست .

به نظر می رسد تبدیل مجازات در مقام تشدید نیاز به مجوز قانونی دارد همچنانکه پیش از وضع

ماده ۲۲ تبدیل مجازات در مقام تخفیف نیز جایز نبود . استناد به ماده ۵ قانون دیات (ماده ی ۲۹۹

قانون مجازات اسلامی) هم خالی از اشکال نیست. ملاک تغلیظ دیه در این ماده حرمت بعضی ایام و متبرک بودن بعضی اماکن است اگر بتوان قیاس را در حقوق جزا جایز دانست (اصل قانونی بودن جرم و مجازات مانع تفسیر موسع قوانین کیفری است) فقط حکم این ماده را می توان به مجازات جرایمی که در ایام و اماکن و مذکور ارتکاب می یابد تسری داد. که تاکنون چنین نبوده است.

سرانجام اداره ی حقوقی این بار بر مبنای اصل کلی رعایت تناسب جرم و مجازات نظریه ای را اعلام کرده است که فعلاً در موارد سکوت قانون راهگشا و معمول بر احتیاط است به موجب این نظریه (شماره ۷/۱۰۲۳۵-۷۱/۹/۲۵):

((چون ماده ی ۴۸ قانون مجازات اسلامی نحوه ی تشدید مجازات را در خصوص تکرار جرم مشخص ننموده و در سایر قوانین نیز حکم خاصی در این خصوص وجود ندارد بنابراین در اجرای قسمت اخیر ماده ی ۴۷ قانون مجازات اسلامی تشدید مجازات در اختیار دادگاه است که با توجه به شرایط و کیفیات جرایم ارتكابی و اوضاع و احوال شخص مرتکب مجازات تعزیری را تشدید نماید. بدیهی است که در این مورد تناسب جرم و مجازات باید رعایت گردد.))

(۵) در صورت تکرار برخی از جرایم تعزیری عدول از حداکثر مجازات مجاز نمی باشد. دادگاه در برخی از جرایم تعزیری در صورت تکرار جرم نمی تواند از حداکثر مجازات قانونی فراتر رود به عنوان مثال به ذکر دو نمونه می پردازیم:

(۱) برابر با ماده ی ۶۶۶ قانون مجازات اسلامی در مورد تکرار جرم در سرقت تعزیری مجازات

سارق حسب مورد حداکثر مجازات مقرر در قانون خواهد بود به علاوه برابر با تبصره ی ماده ی

مذکور در تکرار جرم سرقت (تعزیری) در صورتی که سارق سه فقره محکومیت قطعی به اتهام

سرقت داشته باشد دادگاه نمی تواند از جهات مخففه در تعیین مجازات استفاده نماید .

(۲) دیوان عالی کشور ایران در رای شماره ی ۶۰۸ مورخ ۱۳۷۵/۶/۲۷ خود صدور چکهای بلا

محل , وعده دار و تضمینی

را از جرایم مشابه دانسته و تعیین مجازات برای متهم را به بیش از حد اکثر مجازات مقرر در

قانون بدون آنکه نص صریحی در این خصوص وجود داشته باشد فاقد وجاهت قانونی دانسته است .

با توجه به این رای دیوان عالی می توان گفت به نظر دیوان عالی تجاوز از حداکثر مجازات قانونی

در مورد جرایم مشابه قابل قبول نیست و اگر استدلال شود که در مورد تعدد و تکرار نص صریحی

وجود دارد پاسخ این است که صراحت باید در زمینه ی سقف مجازات باشد چون این سقف در

تعدد و تکرار مشخص نشده است پس نص صریحی وجود ندارد ولذا تجاوز از حداکثر مجازات

با توجه به رای یاد شده صحیح نیست . این استدلال به خصوص با توجه به نفع متهمان و محدود

کردن حدود تشدید تایید می شود .

(۶) چکیده

با توجه به تفاسیر فوق به نظر نمی رسد جز با مداخله ی خود قانونگذار مشکل حل گردد . شگفت آور اینکه در وضع بعضی از قوانین خاص قانونگذار آنچنان وسواس ودقت به خرج داده است که گاه در تکرار جرم با تعیین میزان مجازات مشدد تا بار چهارم یکباره گریبان قاضی را از این معضل رها ساخته است . حال چگونه تشدید مجازات از همان نوع و به همان اندازه پر اهمیت یکسره اختیار را به دادگاه ها محول کرده بدون آنکه ضابطه ای برای آن معین کند خود سوال است . شاید به یک تعبیر بتوان این چندگانگی الگوی تشدید و مهم تر از آن تعیین مقدار تعزیر در قانون را به موازین شرع نسبت داد .

باری ابهام قانون در خصوص نوع و میزان تشدید مجازات به عقاید گوناگونی میدان داده که برخی از آنها شرح داده شد.

منابع:

۱- بایسته های حقوق جزای عمومی - دکتر ایرج گلدوزیان

۲- حقوق جزای عمومی (جلد دوم) - دکتر محمد علی اردبیلی

۳- زمینه ی حقوق جزای عمومی - دکتر رضا نوربها